روزنامه شرق
۳۲ صفحه
سال سوم ■ شماره ۷۷۹ ■ شنبه ۲۰ خرداد ۱۳۸۵ ■ ۱۳ جمادی الاول ۱۴۲۷ ■ ۱۰ ژوئن ۲۰۰۶
۳۲ صفحه ■ به همراه ۱۶ صفحه نیازمندی های شرق ویژه استان تهران ■ ۱۵۰ تومان

لیبرالیسم و دموکراسی

مقاله ای از علیرضا علوی تبار

شکل غالب حکومت در کشورهای توسعه یافته «لیبرال دموکراسی» است. به همین دلیل نباید تعجب کرد که گروهی رابطه میان لیبرالیسم و دموکراسی را پیوستگی و این همانی تلقی کنند. اما واقعیت این است که رابطه این دو پیچیده تر از آن است که ایدئولوژی های پیروز زمانه ما ادعا می کنند. طی سطور آینده می کوشم تا این پیچیدگی را نشان داده و نسبت به تلقی های تقلیل گرا در این زمینه هشدار دهم. قبل از هر چیز بایستی میان اندیشه های لیبرالیستی و . . .

صفحه ۶

خرد جاودان در «حکمت شادان»

صفحه جدید شرق

حکمت شادان صفحه جدیدی است که گروه اندیشه آن را منتشر می کند؛ صفحه ای در کنار همان صفحه اندیشه که از ابتدای تاسیس شرق در روزنامه منتشر می شد. دلایل بسیاری وجود داشت که همکاران گروه اندیشه را واداشته بود تا در صفحه اندیشه با مخاطبانی سخن بگویند که کم و بیش، مقدمات لازم برای بهره بردن از مباحث این صفحه را طی کرده اند. این اتفاق اما باعث شده بود بسیاری از خوانندگان روزنامه از کنار این صفحه بگذرند و گمان کنند. . .

صفحه ۱۰

گزارش بازی

بازی های امروز	
پاراگوئه-انگلستان	ساعت ۱۶/۳۰
سوئد -ترینیداد	ساعت ۱۹/۳۰
ساحل عاج-آرژانتین	ساعت ۲۲/۳۰

آلمان ۴- کاستاریکا ۲

پیروزی میزبان

گروه ورزش: وقتی در مراسم معرفی بازیکنان بازوبند کاپیتانی تیم ملی آلمان بر دست های برند اشنایدر ۳۲ ساله مشاهده شد، مشخص گشت میشائیل بالاک سرانجام به این بازی نرسیده است. بهتر بگوییم محرز شد که پس از تمام کش و قوس ها و موش و گربه بازی های چند روز اخیر مقرر شده است که بالاک بازی نکند. هافبک ۳۰ ساله سابق بایرن مونیخ و ستاره جدید چلسی از روز پنجشنبه تصریح کرده بود که با بهبود مصدومیت یک هفته اخیرش قادر به بازی است اما یورگن کلینزمن گفته بود که ریسک نمی کند و به او بازی نمی دهد. مربی بالنسبه جوان تیم ملی آلمان تاکید کرده بود که اگر بالاک بازی کند و مصدومیتش تشدید شود آن گاه امکان دارد که ژرمن ها او را تا پایان جام از دست بدهند. بالاک ناراحت شده و پس از شنیدن این مسئله رودرروی مربی اش ایستاده و حرف و حدیث هایی به وجود آمده بود. بکن باوئر افسانه ای نیز ناچاراً به حمایت از مربی منتخب خود برخاسته و گفته بود که از تصمیم وی حمایت می کند. قیصر در مقاله ای که به قلم وی در مطبوعات آلمان چاپ شد گفته بود که حفظ و تقویت مرد اول فوتبال آلمان برای دیدارهای بعدی الزامی تر از به خطر انداختن او با شرکت دادنش در پیکار نخست جام است. به قلم خود او «آلمان، بالاک را برای هفت بازی (یعنی تا فینال) می خواهد و نه فقط برای یک مسابقه.» وقتی در همان ۱۷ دقیقه اول سه گل رد و بدل شد و آلمان ۱-۲ جلو افتاد و نیمه اول با همین نتیجه خاتمه یافت، به نظر رسید که ایده کلینزمن و قیصر صحیح بوده است، به خصوص که «تیم بوروفسکی» و تورستن فرینگز در مرکز خط میانی آلمان به جای بالاک بد کار نمی کردند و اشنایدر هم در سمت راست خط میانی خوب مانور می داد و توپ سازی می کرد. گل فیلیپ لام که در همان دقیقه ششم به ثبت رسید و استادیوم آلیانز و بهتر بگوییم کل کشور آلمان را منفجر کرد، اوج زیبایی و نشان دهنده تکامل فردی مدافع چپ جوان بایرن مونیخ بود. شوت او مماس با تیر عمودی و پس از برخورد به آن بر تور بوسه زد و شروعی انفجاری را به جام جهانی ۲۰۰۶ بخشید و به واقع اولین گل جام جهانی هجدهم را به شکلی تماشایی به تصویر کشید. گل مساوی که توسط ون چاپ کهنه کار و هوشیار به ثمر رسید و آلمانی ها ادعای آفساید بودن آن را داشتند یک بار دیگر مشخص ساخت که خط دفاعی آلمان همچنان جوان و ناپخته است و در سطح و اندازه های تیمی نیست که داعیه فتح جام را دارد. ون چاپ در این لحظه (دقیقه ۱۲) بسیار خوب در پشت خط دفاعی میزبان ظاهر شد و با ضربه ای دقیق و زمینی ینس لمن را تسلیم و کار را تمام کرد. با این حال برای آلمان فقط ۵ دقیقه طول کشید که از شوک گل ون چاپ رها شود و گل دومش را نیز بزند و ۱-۲ پیش بیفتد. این گل با مانور عالی اشنایدر پایه گذاری، «پاس در عرض» شواین اشتایگر کامل و با ضربه نهایی بغل پای کلوزه خلق و ترسیم شد. همه اینها و تمام سه گلی که وصفش آمد فقط در ۱۷ دقیقه نخست حاصل شد تا سنت دهه های اخیر در خصوص شگفتی ساز و پرحادثه بودن دیدارهای افتتاحیه جام های جهانی استمرار یابد. دقایق بعدی نیمه اول بدون گل، قدری آرام تر اما با کیفیات فنی قابل قبول سپری شد. یکی دو توپ خوب دیگر که در عمق خط دفاعی آلمان فرستاده شد و متزلدر و یارانش باز هم در دفع آن مشکل داشتند و حملات تند و تیز ژرمن ها از دو سمت و به ویژه با تکیه بر حرکات شواین اشتایگر، لام، کلوزه و فرینگز صورت می گرفت و مارتینز و سکوئیرا مدافعان کاستاریکا برای دفع آن آشکارا به زحمت می افتادند، ثابت کرد که هر دو تیم توانایی زدن گل های بیشتر را هم دارند، ولی بی دقتی ها و ضعف دو تیم در زدن ضربات آخر مانع از شکل گیری این توفیق می شد. با این حال آنچه برای کلینزمن و به واقع دستیار او و تئوریسین و برنامه ریز فنی اصلی تیم ملی آلمان یعنی «یواخیم لو» اهمیت داشت، اضافه بر نتیجه حاصله بررسی مهارت های فنی نفرات تیم شان طی این دیدار بود و در این خصوص کارنامه ای بالنسبه مثبت را در نزد آنان مشاهده کردند.

ادامه در صفحه آخر

گزارش کامل جام در صفحه های ۲۳ تا ۲۶

▲ جدال گلزره مهاجم موفق آلمان با لوئیس مارین کاپیتان کاستاریکا - عکس AFP

چه شروع زیبایی

■ رقابت های جام جهانی آلمان آغاز شد ■

گروه ورزشی، وصال روحانی: جام جهانی هیجدهم آغازی رویایی داشت. به تصمیم برگزارکنندگان برخی از بازیکنان تیم هایی که در ۱۷ دوره قبلی به عنوان قهرمانی رسیده بودند، در کنار هم و دست در دست یکدیگر پا به مراسم افتتاحیه گذاشتند و از مقابل تماشاگران گذشتند. آنها در کنار نوجوانانی که در نقطه مقابل آنها نشانه و نماد شور و جوانی بودند، وارد استادیوم شدند اما چگونه می شد آنها را دید و غرق در شادی و خاطرات گذشته نشد.

مراسم افتتاحیه جام های جهانی هیچ گاه به وسعت و گستردگی المپیک ها نبوده و به طور مختصر و به شکل سمبلیک برگزار شده است، به خصوص امسال که پیشنهاد ژرمن ها برای برپایی مراسمی مفصل تر از سوی فیفا رد شد. سران نهاد حاکم بر فوتبال جهان اعتقاد داشتند که هر چقدر مراسم مفصل تر باشد، به چمن و کیفیت آن لطمات بیشتری خواهد خورد و جمع و جور کردن و ترمیم آن زمان زیادی خواهد برد. هرچه بود مقرر شد مراسم افتتاحیه به شکلی غیرگسترده در همان محل انجام دیدار نخست یعنی ورزشگاه آلیانز شهر مونیخ برپا شود و چنین نیز شد.

اما همه این مسائل نیز سبب نشد این مراسم به دل ننشیند و دلیل و سبب آن، در درجه اول اجتماع فاتحان دوره گذشته بود. فاتحان ادوار دور (ایتالیا در ۱۹۳۴ و ۳۸) بسیار کم شمار بودند زیرا اکثرشان دیگر در قید حیات نیستند. دوره اول (۱۹۳۰ اروگوئه) نیز همین طور، اما از ۱۹۵۰ به بعد هر چقدر که جلوتر می آمدیم، حاضران بیشتر و بیشتر می شدند. فاتحان پنج دوره جام از برزیل همه با هم و در قالب یک هیات آمدند. از فاتحان جام های ۱۹۵۸ و ۶۲ گرفته تا جام های ۷۰، ۹۴ و ۲۰۰۲، همه و همه خندان و خوش روحیه. چه پیر شده بود ریوه لینو هافبک چپ تکنیکی سال ۱۹۷۰ برزیل و یا جرزینهو گوش راست همان تیم. کارلوس آلبرتو مدافع راست و کاپیتان همان تیم نیز (که بعداً مربی جمهوری آذربایجان شد و به تهران هم سفر کرد) در همین تعریف می گنجید. پائولو سزار گوش چپ سال های ۱۹۷۰ (و ۷۴) برزیل نیز آشکارا پیر شده بود. اما پله همان پله همیشگی بود و طبعاً فاتحان ۱۹۹۴ و ۲۰۰۲، خوب و بالنسبه جوان مانده بودند. به به تو از آن دست بود. هنوز از یاد نبرده ایم موقعی که در جام ۹۴ گلزنی کرد و برای تجلیل از بچه نوزادش دست هایش را به شکلی که انگار گهواره او را تکان می دهد به حرکت درآورد و یارانش نیز با وی در این حرکت همراهی کردند. فاتحان آرژانتینی (۱۹۷۸ و ۸۶) نیز در کنار یکدیگر آمدند و فرانسه (۹۸) با چهره هایی جوان و قبراق ظاهر شد. آلمان هم فاتحان ۵۴، ۷۴ و ۹۰ را همراه با یکدیگر به صحنه آورد. لیت بارسکی و ماتیوس مثل گذشته جوان نشان می دادند و رویتر نیز همین طور. هرچه بود، صحنه های شیرینی خلق شد. سایر قسمت های مراسم افتتاحیه هم بد نبود. از حرکات نمایشی هنرمندان گرفته تا دوچرخه سواری نوجوانان، اما وقتی فرانتس بکن باوئر رئیس کمیته سازماندهی جام جهانی در کنار رئیس جمهوری کشورش (آلمان) و سپ بلاتر رئیس سوئیسی فیفا به وسط زمین چمن آمد تا نطق های افتتاحیه را ایراد کنند، مشخص شد فوتبال به چه مدارج شگرفی رسیده و چگونه قیصر می تواند در کنار مقام اول سیاسی کشورش حرکت کند و تعیین کننده باشد و بلاتر نیز همین حکم و حالت را داشته باشد. امروز تمام دنیا قبول دارد که فوتبال و به ویژه جام جهانی از تمام حدود و ثغور یک ورزش و از چنان عرصه ای فراتر رفته و تبدیل به یکی از تاثیرگذارترین پدیده های اجتماعی شده است. به پدیده ای که طی یک ماه زمان برگزاری خود تمام حواس ها را به خود معطوف می کند و حتی امور سیاسی کشورها مختل می شود و در کار های بزرگ اجتماعی وقفه می افتد تا سیاستمداران و مردم وقت برای تماشا و تعقیب مسابقات پیدا کنند و از جام جهانی غافل نمانند. دیروز حتی گفته شد که به وزرای آلمان توصیه اکید شده است که حتماً در محل برگزاری رقابت ها حضور یابند و از نزدیک بر مسائل مختلف نظارت داشته باشند. بله، این جادوی جام جهانی است که دوباره از راه رسیده و با این که از ۲۰۷ کشور عضو فیفا (بیش از پنج عضو فزون تر از اعضای سازمان ملل) فقط ۳۲ تیم در مرحله نهایی حاضرند، اما به واقع تمامی دنیا پای این رویداد و تماشای آن نشسته است. وقتی برخی تیم های نامدار و مدعی به دلایل مختلف به دور پایانی جام جهانی ۲۰۰۶ نرسیدند، این فرضیه قوت گرفت که جام اعتبارش را تا حدی از دست داده است، اما چنین نشد. چگونه می شد پذیرفت که مثلاً غیبت امثال دانمارک، روسیه، مجارستان و بلغارستان می تواند چنین اثری داشته باشد. شیلی نیز همین طور. حذف نیجریه، کامرون، سنگال و آفریقای جنوبی نیز یک ضایعه بزرگ در سطح قاره آفریقا تلقی شد اما وقتی دیروز جام هجدهم با مراسمی که گفتیم آغاز شد، همه غایبان از یاد رفتند.

ادامه در صفحه آخر

بن لادن عراق کشته شد

گروه بین الملل، اشکان خواجه نوری: ابومصعب زرقاوی رهبر القاعده در عراق و خطرناک ترین تروریست تحت تعقیب در این کشور، چهارشنبه شب در منطقه ای در شمال بغداد توسط دو بمب ۵۰۰ پوندی که توسط یک جنگنده اف- ۱۶ آمریکایی انداخته شد، به قتل رسید. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، در این حمله ابومصعب زرقاوی به همراه شش نفر از یارانش و ازجمله مشاور ارشدش به قتل رسیده است. براساس این گزارش پس از حمله به خانه امن محل اقامت زرقاوی و یارانش در شهر بعقوبه در شمال بغداد، به منظور تائید هویت رهبر القاعده در عراق و اعلام خبر مرگ وی، جسد وی به یک مرکز پنهانی پزشکی قانونی منتقل شد و مورد آزمایش قرار گرفت. کارشناسان پزشکی قانونی آمریکا در بغداد نیز پس از انگشت نگاری، چهره نگاری و بررسی خالکوبی ها و آثار جراحت بر صورت و بدن وی، هویت وی را تائید کردند. همچنین به منظور تائید صددرصد هویت وی، نمونه برداری صورت گرفته و برای بررسی به آزمایشگاه DNA اف بی آی در آمریکا ارسال شده است. کشته شدن ابومصعب زرقاوی که مسئولیت بسیاری از حوادث خونین سه سال گذشته در عراق را بر عهده داشت پیروزی بزرگی برای دولت آمریکا، دولت عراق و نیروهای ائتلاف تحت فرماندهی ارتش آمریکا محسوب می شود. این حادثه مهم ترین دستاورد نیروهای ائتلاف در عراق پس از دستگیری صدام حسین رهبر سابق عراق در سال ۲۰۰۳ محسوب می شود. کشته شدن ابومصعب زرقاوی چنان اهمیتی داشت که جورج بوش رئیس جمهوری آمریکا در واکنش به این خبر با شادمانی گفت که اعتماد به نفس پیدا کرده و این رویداد را به مقامات دولت عراق تبریک گفت. عملیات موفق از پای درآوردن رهبر القاعده در عراق در حالی صورت گرفت که حمایت مردم آمریکا از دولت این کشور در جنگ عراق و محبوبیت رئیس جمهوری آمریکا به شدت کاهش یافته و موج عظیمی از انتقادات علیه ارتش آمریکا به دلیل حمله به غیر نظامیان عراقی به راه افتاده بود. نکته قابل توجه در مورد واکنش مردم عراق به قتل زرقاوی این بود که تمام گروه های مذهبی و قومی ازجمله شیعیان، اهل سنت و کردها به جشن و پایکوبی پرداختند و روز پنجشنبه در بسیاری از نقاط عراق صدای تیراندازی های هوایی شنیده می شد. البته برخی از مردم عراق نیز به دلیل اینکه از زرقاوی به عنوان سمبل مقاومت در عراق یاد می کردند، از مرگ وی غمگین شده اند. در پی مرگ زرقاوی، مقامات آمریکایی و عراقی در مورد ادامه فعالیت شبه نظامیان در غیاب فرماندهی وی هشدار دادند و در عین حال ابراز امیدواری کردند که از بین رفتن وی تاثیر مثبتی بر کاهش ناآرامی ها و برقراری ثبات در عراق خواهد داشت. در همین حال سخنگوی ارتش آمریکا در عراق اعلام کرد که احتمالاً گروه القاعده به زودی فرمانده جدید خود در عراق را معرفی خواهد کرد. ویلیام کالدون گفت: «ممکن است ابوالمصری به عنوان جانشین ابومصعب زرقاوی از سوی القاعده معرفی شود.» وی علت انتخاب احتمالی این شبه نظامی را نزدیکی بسیار زیاد وی به زرقاوی اعلام کرده است. وی گفت: «از چندی پیش فعالیت ابوالمصری را زیر نظر داشته ایم و احتمال می دهیم که در تشکیل هسته اولیه تشکیلات القاعده در عراق شرکت داشته است.» گروه القاعده در نخستین واکنش خود نسبت به کشته شدن ابومصعب زرقاوی با ارسال بیانیه ای در یکی از سایت های اینترنتی خود اعلام کرد: «اتفاقی که امروز برایمان افتاد تاثیری بر فعالیتمان نخواهد گذاشت.» گفتنی است دولت آمریکا ۲۵ میلیون دلار جایزه برای سر ابومصعب زرقاوی معادل جایزه سر بن لادن تعیین کرده بود. نخست وزیر عراق در پاسخ به شبکه خبری العربیه در مورد این جایزه گفت: «ما به وعده خود عمل خواهیم کرد.» در همین حال یکی از سخنگویان ارتش آمریکا گفت که هنوز زود است در مورد سرنوشت این جایزه و احتمال پرداخت آن سخن بگوییم.

در همین زمینه
گزارش های تکمیلی را در صفحه های ۸، ۷ و ۹ بخوانید

سرمقاله

پاورقی تاریخ عراق

دکتر حسین دهشیار

همزمانی مرگ زرقاوی و تکمیل کابینه عراق به وسیله نوری مالکی نخست وزیر، تصویر گر واقعیات جامعه عراقی در جامع ترین شکل آن هستند. حذف زرقاوی از صحنه معادلات سیاسی عراق گزینه ای اجتناب ناپذیر بود، همان گونه که سرانجامی جز این برای دیگر همتایان او قابل تصور نیست. هرچند که پرتاب دو بمب پانصد پوندی به وسیله دو جنگنده آمریکایی منجر به مرگ زرقاوی شد اما واقعیت سیاسی حاکم بر عراق حتی در صورت عدم توفیق آمریکائیان آن را ضروری می ساخت. گروه ها و افرادی که به فعالیت های مشابه زرقاوی دست می زنند در معادلات سیاسی عراق به ضرورت باید «قربانی شدنی» قلمداد شوند. تلاش سه گروه عمده قومی برای کسب فزون ترین میزان تاثیر گذاری در اراده جامعه و بیشترین میزان نفوذ در کنترل اهرم های قدرت، محیط عملیاتی مساعد را برای اقدامات تروریستی فراهم آورده است. توانایی افرادی از قبیل زرقاوی و گروه هایی مانند القاعده برای ثبات زدایی در عراق بعد از سه سال از سقوط صدام حسین را نباید ناشی از توانمندی آنان قلمداد کرد بلکه بازتاب چگونگی محاسبات و ارزیابی های سیاستمداران عراقی است. در جوامعی از قبیل عراق که فضای مدنی و مولفه های آن فرصت شکل گرفتن نیافته اند و مناسبات اجتماعی بر پایه میزان توانایی گروه های اجتماعی در اعمال خشونت جهت می یابد، زرقاوی و القاعده تنها ابزاری برای کسب گسترده ترین قدرت به وسیله بازیگران سیاسی هستند. در جامعه ای که خصلت های مدنی حضور ملموس ندارند، «نیروهای ازلی» از قبیل ویژگی های قومی، قبیله ای، زبانی و نژادی عوامل اصلی شکل دهنده کیفیت تعاملات سیاسی هستند. اینکه تاکنون توفیقی در عراق برای از بین بردن فعالیت های ثبات زدا و خشونت آمیز مشاهده نشده است، عدم تمایل همه جانبه فعالان سیاسی باید در نظر گرفته شود. پس هر زمان منافع آنان ایجاب کند ترور و خشونت به چالش گرفته می شود و هر زمان به عنوان یک عامل فشار مطلوب قلمداد شود به طور جدی با آن مخالفت نمی شود. اقامتگاه زرقاوی لو رفت چرا که برای بخش هایی از ساختار قدرت در عراق، تاریخ مصرف او تمام شده بود. تروریست ها «مصرف شدنی» هستند و تروریسم در بلندمدت به حاشیه رانده می شود. سرگروه عمده حاضر در چانه زنی های سیاسی در عراق به لحاظ درک تدریجی الزامات برآمده از واقعیات ترکیب جمعیتی، تمرکز جغرافیایی منابع نفتی و انحصار تاریخی قدرت سیاسی به این نتیجه رسیده اند که سرنوشت آنها به شدت در یکدیگر تنیده است.

ادامه در صفحه ۳۱

بسمه تعالی

چهاردهم خرداد امسال بیشتر از سالهای پیش، نمایش شکوه و عظمت مردم بزرگوار ما و صحنه بروز عشق بی پایان امت اسلامی به امام عظیم الشان راحل بود.

صحنه هایی که بیان آن از نوک قلم امثال اینجانب امری ناشدنی است. حضور پور شور مردمی که در هفدهمین سالگرد عروج امام عاشقان و مقتدای مسلمانان، قلب های خدا باوران را به ثنای ذات بی همتای الهی و شکر و سپاس آن معبود ذوالجلال گشود و دلهای ناپاکان را بی شک از غصه و غم لبریز ساخت.

به راستی عشق به خمینی عشق به همه خوبیهاست و نمایش این عشق، نمایش عظمت و عزت اسلام، مسلمین و مستضعفین است و از همین رو ثواب جزیل الهی را به همراه خواهد داشت. اینجانب بر قدوم همه میهمانان و زائران محترم و ملت شریف ایران بوسه می زنم و دست و بازوی ایشان را به پاس این عظمت و شکوه می بوسم و از یکایک ایشان به خاطر این لطف بی کران سپاسگزارم.

وتشکر می نمایم از صدها هزار نفر زائر عزیز که با تحمل دشواری از سراسر کشور به تهران عزیمت نموده و هم گام با صدها هزار نفر از مردم بزرگوار تهران در مراسم عظیم ۱۴ خرداد و در جوار حرم مطهر شرکت نموده اند، خاصه از خانواده عزیز شهدا و آزادگان و ایثارگران و جانبازان و نیز سپاس فراوان دارم. از عنایت خاص رهبر بزرگوار و فرزانه انقلاب اسلامی خلف شایسته امام امت و از حضرات آیات عظام و مراجع تقلید و از ریاست محترم جمهوری که توجه خاصی به امر برگزاری شایسته مراسم مبذول داشته اند و از رئیس محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام و روسای محترم قوای مقننه و قضائیه و اعضاء محترم مجلس خبرگان رهبری و شورای محترم نگهبان و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و مسئولان عزیز کشوری و لشکری و روحانیت معزز و ائمه جمعه و جماعات و مبلغین که با حضور و یا سخنان خود غنای بیشتری به مراسم بخشیدند و از حضور نمایندگان اقلیتهای مذهبی شرکت کننده در مراسم و نیز از میهمانان عزیز خارجی و سفراء و کارداران و نمایندگان نظامی مقیم ایران و نیز از علاقه مندان به امام در سراسر جهان و سفارتخانه ها و نمایندگی های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارج کشور قدر دانی می نمایم.

بی تردید برگزاری مراسم میلیونی و با شکوه ۱۴ خرداد حاصل تلاش و برنامه ریزی و پیگیری و هماهنگی مستمر مسئولین و دست اندر کاران کمیته ها و ستاد مرکزی بزرگداشت امام خمینی (س) است که به جاست از دبیر محترم و تمامی مسئولین و اعضای ستاد مرکزی بزرگداشت امام و موسسه تنظیم و نشر آثار امام (س) و از کمیته فرهنگی و تبلیغات ستاد و از دبیر محترم و دست اندرکاران همایش امام خمینی (ره) و گرامت انسان و از تلاش بی وقفه اعضا، محترم کمیته اجرائی به خصوص از نماینده ویژه ریاست جمهوری در ستاد مرکزی بزرگداشت و کلیه وزارتخانه ها و سازمان ها - به ویژه وزارتخانه های اطلاعات - کشور - بازرگانی - راه و ترابری - جهاد کشاورزی - ارشاد اسلامی - علوم، تحقیقات و فناوری - بهداشت، درمان و آموزش پزشکی - نیرو و دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح - نفت - آموزش و پرورش - امور خارجه - رفاه و تامین اجتماعی و از بنیاد مستضعفان و ستاد اجرائی فرمان امام (ره) و کمیته امداد حضرت امام (ره) استانداری ها و فرمانداری ها و ستادهای استانی و نیز مراکز بیمه و بانک ها و شرکت مترو و شرکت واحد - هلال احمر - ستاد فرماندهی کل قوا و نیروهای نظامی و انتظامی و نیز از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی مقاومت بسیج و نیز از شورای اسلامی شهر تهران و خاصه از شهردار محترم تهران و مناطق ۲۲ گانه و معاونین و سازمان های وابسته به شهرداری تهران و از سازمان شهرداری ها و دهیاری ها کشور و کلیه اصناف و اقشار که حقا سهم بسیار بزرگی در امور مختلف مراسم ایفاء نموده اند تشکر نمایم. و از یکایک اعضاء محترم کمیته امنیت و ترافیک که به مراسم نظم و انسجام خاصی بخشیدند خصوصا از نیروهای عزیز سپاه، بسیج، ارتش جمهوری اسلامی ایران، نیروی انتظامی، وزارت اطلاعات و قوه قضائیه، راهنمایی و رانندگی و سازمان حمل و نقل و ترافیک قدر دانی می نمایم.

همچنین از سران و روسای محترم احزاب و جمعیتهای سیاسی و تشکل های مردمی که با گرایشات سیاسی مختلف پایبندی خویش را به امام و آرمان های امام عظیم الشان نشان دادند و از صنوف و اقشار مختلف مردم و از کلیه مراکز فرهنگی و تبلیغاتی خاصه شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، دانشجویان و دانشگاهیان، فرهنگیان، دانش آموزان، هنرمندان، نویسندگان و گویندگان، ارباب جراید و مطبوعات و رسانه های گروهی، خبرگزاری ها و خبرنگاران داخلی و خارجی و از اهتمام شایسته و متعهدانه و در خور ستایش صدا و سیمای جمهوری اسلامی به این امر مهم و همچنین از حضور بانوان فداکار و نیز از مسئولین و دست اندرکاران ورزش و کاروان های پیاده و ورزشی که به تهران عزیمت نموده اند کمال تشکر و امتنان را دارم.

امید است زحمات یکایک عزیزان مرضی حق تعالی و باعث خشنودی حضرت بقیه الله باشد.

والسلام
سید حسن خمینی